

«مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر

قرآن کریم»

غلامرضا بهروزی لک

استاد علوم سیاسی گروه مطالعات سیاسی دانشگاه باقرالعلوم قم

علی جعفر دهکردی *

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی آینده‌پژوهی دانشگاه دفاع ملی

چکیده

یکی از ظرفیت‌های اساسی انسان، دستگاه فهم و اندیشه خدادادی اوست؛ که بدون آن، هیچ طرح و برنامه خردمندانه‌ای ممکن نیست. با شناخت و طراحی این دستگاه، می‌توان با یک فرایند نظام‌مند و قابل تکرار و تکثیر، از آن برای «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» استفاده کرد. این موضوع، در عصر حاضر که تصویرسازی؛ که قلب دستگاه آینده‌اندیشی است، یکی از روش‌های پرکاربرد و مؤثر تمدن بدیل یا رقیب غرب و تفکر غربی است، اهمیتی بیش از گذشته دارد. با توجه به این‌که منبع اصلی و قابل اطمینان برای طراحی این مدل یا دستگاه، قرآن و عترت است، لازم است این مدل مبتنی بر این دو منبع طراحی و تدوین شود. بر این اساس، مسئله اصلی تحقیق عبارت است از «چپستی و چگونگی مدل یا دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز بر اساس قرآن و عترت». هدف پژوهش، طراحی این مدل، به‌منظور تولید تصویرهای صحیح و واقع‌نما از حقایق آینده و تنظیم اکنون بر اساس آن‌ها در یک رویکرد تمدن‌ساز است. روش پژوهش، تفسیر موضوعی استخراجی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، بر اساس آیات قرآن کریم و روایات، عناصر و اجزاء مختلف «مدل یا دستگاه فهم و آینده‌اندیشی» عبارتند از ذهن، تصویرهای آینده، دستگاه اندیشه و دستگاه انگیزه. مهم‌ترین بخش این دستگاه، تصویرهای پایه، ملاک یا شاخص است که عناصر تشکیل دهنده آن‌ها، باورها و اعتقادات تصدیق و ذخیره شده است. تصویرهای زمان‌پایه؛ مانند تصویرهای گذشته، حال یا آینده یا تصویرهای مبتنی بر موضوعات مختلف دیگر، با این تصویرها ارزیابی و سنجش شده و تصدیق یا رد می‌شوند. بر اساس یافته‌های تحقیق، با به‌کارگیری «مدل یا دستگاه فهم و آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت» در «ابعاد جامع روابط انسان» (رابطه با خدا، خودش، دیگران، دنیا، محیط، ...) و در سطوح فردی، اجتماعی؛ در عرصه‌های علمی، فناوری، ... و سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان فرایند تمدن‌سازی را سامان داد. با در نظر گرفتن مؤلفه‌های «دستگاه آینده‌اندیشی» و «تمدن‌سازی»، می‌توان گفت، «نتیجه به‌کارگیری مدلی که در آن، همه جوانب آینده بر اساس قرآن و عترت مد نظر باشد، تمدن‌سازی خواهد بود. این مدل را می‌توان زیرمجموعه «مدل دستگاه آینده‌اندیشی انسان کامل» دانست؛ که از ابتدای آفرینش به دنبال تحقق «تمدن اسلامی» و «فراگیری اسلام» در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان در کل جهان بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز اسلامی عبارت است از کنش یا فرایند فکری مداوم و نظام‌مند معطوف به آینده (اخروی و دنیوی)؛ که در اثر انگیزه ترس از ضرر، طمع منفعت یا علاقه (محبت) ناشی از شایستگی مقام مراتب ولایت الهی ایجاد و منجر به ترسیم نقشه ذهنی و عینی (برنامه) مبتنی بر قرآن و عترت، به‌منظور تحقق تمدن اسلامی می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، عترت، آینده‌اندیشی، تمدن‌سازی، انسان کامل.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۵

* (نویسنده مسئول: alemeelm110@gmail.com)

مقدمه

با توجه به نوآوری تحقیق در انتخاب «عنوان»، «رویکرد» و «روش تفسیر موضوعی استخراجی» و احتمال تأثیر سوگیری ناشی از عادت ذهن، قبل از بیان مسئله، اهمیت، ضرورت و پیشینه تحقیق در این مقدمه، لازم است تأکید شود که «این تحقیق در بستر و رویکرد مطالعات و نظریه‌های آینده‌پژوهی صورت نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، با توجه به رویکرد و روش تحقیق، تلاش بر آن است تا حتی الامکان، نظریه‌ای از خارج قرآن و عترت، بر تحقیق تحمیل نشود. توضیح این‌که در مطالعات قرآنی مانند این پژوهش، دو رویکرد قابل طرح است: یکی رویکردی که در آن، «مسئله تحقیق از بیرون» و «پاسخ آن» از قرآن کریم استنتاج می‌شود. دیگری، رویکردی است که در آن، «مسئله و پاسخ» تحقیق، هر دو از قرآن کریم طرح و استخراج می‌شود. روش تحقیق در رویکرد اول، «روش تفسیر موضوعی استنتاجی» و در رویکرد دوم، «روش تفسیر موضوعی استخراجی» است.

با توجه به انتخاب رویکرد دوم و روش مربوط در این تحقیق، لازم است به دو پیامد دیگر این انتخاب اشاره شود. یکی این‌که همانند اکثر تفسیرهای قرآنی، منابع تحقیق محدود به قرآن، عترت و تفسیرهای معتبر است، دیگر این‌که استفاده از یافته پژوهش‌های غیر تفسیری در تحقیق، با محدودیت‌های خاص ناشی از انتخاب مذکور مواجه است.

نکته دیگر قابل ذکر آن است که؛ اگرچه محقق تلاش کرده تا حتی الامکان، حجم مقاله در قالب شیوه‌نامه مربوط تنظیم شود؛ اما باید دانست، با توجه به ضرورت درج استناد آیات، روایات و تفسیر آن‌ها در تحقیق، عموماً حجم مقالات تفسیری، بیش از مقالات دیگر است و لازم است به این مسئله نیز توجه شود.

بیان مسئله

مسئله تحقیق، عموماً در نبود، نقص یا تعارض اطلاعات در خصوص موضوع آن مطرح می‌شود؛ اما این‌که مسئله تحقیق، به دغدغه محقق نیز تبدیل و موجب برانگیختن وی برای اولویت‌دهی، پژوهش و حل آن شود، به میزان اهمیت و ضرورت مسئله برای محقق وابسته است؛ و گرنه معمولاً در اطراف پژوهش‌گران، موضوعات و مسائل فراوانی طرح می‌شود اما در اولویت آن‌ها قرار نمی‌گیرند. در این پژوهش نیز، نبود اطلاعات در خصوص موضوع تحقیق از یک‌سو و اهمیت و نقش مباحث بنیادینی مانند اندیشه، آینده‌اندیشی و تمدن‌سازی در اسلام از سوی دیگر، موجب شده تا

«چیستی و چگونگی مفهوم تمدن‌سازی اسلامی با استفاده از آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت»، به‌عنوان یک مسئله مهم و اساسی برای محقق مطرح شود. لازم به یادآوری است که «اهمیت و ضرورت مباحثی مانند اندیشه، آینده‌اندیشی، کارکردها و کاربردهای آن، قبلاً در رساله دکتری محقق تحت عنوان «نظریه آینده‌اندیشی در قرآن کریم» روشن‌شده و این مقاله، مستخرج از آن است.

در بررسی‌های محقق، پژوهش یا منبعی در خصوص عنوان مشخص «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» یافت نشد؛ در پژوهشی که از سوی محقق صورت گرفته، بعدی از ابعاد این مفهوم؛ یعنی «بعد آینده‌اندیشی»، مورد تحقیق قرار گرفته و در بعضی پژوهش‌های حوزه آینده‌پژوهی نیز، به آن اشاره شده است. در این‌جا برای نمونه به دو تحقیق؛ که ربط بیشتری دارند، اشاره و سایر پژوهش‌ها در بخش پیشینه بررسی و گزارش شده است.

در پژوهشی تحت عنوان «چیستی آینده‌پژوهی اسلامی و راهبردهای تحقق آن»، ضمن طرح نظر «ریچارد اسلاوتر»، «وندل بل» و «نقلی از یونیدو» آمده: «آینده‌اندیشی، شیوه تفکر و نگاه کردن به آینده است. بر اساس آینده‌اندیشی می‌توان چارچوبی برای تفکر به آینده در آینده‌پژوهی، فراهم ساخت» (پدرام و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۸۰). در این تحقیق؛ در راستای ارائه روشی برای طراحی و ایجاد آینده‌پژوهی بدیل نیز آمده: «یکی از مهم‌ترین راه‌های طراحی و ایجاد یک آینده‌پژوهی بدیل، تغییر چارچوب شناختی-هنجاری حاکم بر آن است» (همان، ص ۱۷۸). هم‌چنین، این تحقیق با طرح «نظام نگرش-آینده‌پژوهی»، «آینده‌اندیشی» را یکی از سه بخش این نظام و بستر فعالیت‌های آینده‌پژوهی بیان و «آینده‌اندیشی اسلامی» را مقدمه مهمی برای «آینده‌پژوهی اسلامی» دانسته است (همان، ص ۲۲۲).

پژوهش دیگری تحت عنوان «تدوین چارچوب شناختی-هنجاری آینده‌اندیشی بر پایه معارف و مفاهیم قرآنی»، مفهوم «آینده‌اندیشی از منظر قرآن کریم» را با جدیت بیشتری دنبال کرده و محقق با استخدام تعریف تقوی از چارچوب شناختی-هنجاری (همان)، تلاش کرده تا برای آینده‌اندیشی اسلامی چارچوبی تعیین و آینده‌پژوهی اسلامی را بر اساس آن سامان دهد. این تحقیق، عموماً در راستای ایجاد تغییر و تحول در «آینده‌پژوهی مرسوم» و ارائه «مبانی و مبادی» موردنیاز برای تحقق «آینده‌پژوهی بدیل اسلامی»؛ در مقابل «آینده‌اندیشی سکولار» حرکت کرده و در بخش‌هایی نیز، آینده‌اندیشی را فارغ از «حوزه آینده‌پژوهی» مورد توجه قرار داده است (احمدیان، ۱۳۹۶). با توجه به تفاوت تحقیق مذکور با این تحقیق در «عنوان»، «رویکرد» و «روش»، انتظار می‌رود نتایج این‌دو

پژوهش، متفاوت باشد. ضمن این‌که در پژوهش مورد اشاره، تعریفی از «آینده‌اندیشی»؛ که یکی از ابعاد سازنده «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» است نیز ارائه نشده تا این تحقیق بتواند از آن سازه بهره‌مند شود. بر این اساس و با توجه به مباحث ذکر شده، مسئله اصلی این تحقیق عبارت است از «چیستی و چگونگی مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز بر اساس قرآن و عترت».

اهمیت و ضرورت

اهمیت تحقیق را می‌توان در چهار عنصر تولید، گسترش، ترویج و بهره‌مندی انسان از دستاوردهای علمی قرآن کریم در راستای تمدن‌سازی اسلامی به شرح شکل شماره (۱) خلاصه کرد.



شکل ۱: جمع‌بندی اهمیت تحقیق

ضرورت تحقیق را می‌توان در هفت بعد به شرح شکل شماره (۲) خلاصه کرد؛ که در تمدن‌سازی اسلامی ضروری هستند.

اهداف مقاله

هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، طراحی «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن و عترت»؛ به‌منظور تولید تصویرهای صحیح و واقع‌نما از حقایق آینده و تنظیم اکنون درچارچوب قرآن و عترت، بر اساس آن تصویرها و رویکردهای تمدن‌ساز برای نیل به تمدن اسلامی است.



شکل ۲: جمع‌بندی ضرورت تحقیق

اهداف جزئی

۱. «شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دستگاه فهم و آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت».
۲. «شناخت مؤلفه‌های اصلی و اساسی تمدن‌سازی مبتنی بر قرآن و عترت».
۳. «شناخت ابعاد یا وجوه تشکیل‌دهنده دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن و عترت و ترسیم مدل مبتنی بر آن».

سؤالات مقاله

سؤال اصلی

«مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن و عترت» چگونه است؟

سؤالات جزئی

۱. «دستگاه فهم و آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت چیست؟»
۲. «مؤلفه‌های اصلی و اساسی تمدن‌سازی مبتنی بر قرآن و عترت کدامند؟»
۳. «ابعاد یا وجوه تشکیل‌دهنده دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن و عترت کدامند؟»

الف- مرور پیشینه تحقیق

اگرچه در منابع معتبر اسلامی، در خصوص اندیشیدن در عاقبت امور و جهان، مطالعات مختلفی صورت گرفته، اما در خصوص عنوان و موضوع این تحقیق، مطالعه خاصی صورت نگرفته یا در دسترس محقق نبوده است. بر این اساس، در این بخش، تنها به مطالعاتی اشاره شده که ربط بیشتری به بعضی ابعاد عنوان مذکور دارند. خلاصه این مطالعات به همراه وجوه اشتراک، افتراق، نکات مغفول و نتیجه مقایسه آن‌ها با موضوع و هدف این مقاله در جدول شماره (۱) درج شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نقاط اشتراک پژوهش‌های صورت گرفته با این تحقیق، قرآنی بودن مطالعات در خصوص آینده، ضرورت نگرش اسلامی، ضرورت آینده‌اندیشی، .. است که نشان می‌دهد همگی بر اهمیت و ضرورت چنین پژوهش‌هایی تأکید دارند. نقطه افتراق آن‌ها، در نپرداختن به «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» است؛ که در واقع، همان نقاط مغفول این تحقیقات است.

جدول ۱: خلاصه مطالعات مرتبط با تحقیق و نقاط اشتراک، افتراق، مغفول و نتیجه مقایسه هر یک

ردیف	عنوان تحقیق	استناد	شکل	نتایج	اشتراک	افتراق	مغفول	نتیجه
۱	بررسی امکان‌پذیری و چگونگی تحقق آینده‌پژوهی اسلامی	تقوی، ۱۳۹۱. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی	پروژه	اثبات امکان‌پذیری آینده‌پژوهی اسلامی	موضوع قرآنی	پژوهش‌ها بر مدل آینده‌اندیشی تمدن‌ساز	مدل آینده‌اندیشی تمدن‌ساز	اشاره یا تأکید بر آینده‌اندیشی

ادامه جدول ۱: خلاصه مطالعات مرتبط با تحقیق و نقاط اشتراک، افتراق، مغفول و نتیجه مقایسه هری

ردیف	عنوان تحقیق	استناد	شکل	نتایج	اشتراک	افتراق	مغفول	نتیجه
۲	چیستی آینده‌پژوهی اسلامی و راهبردهای تحقق آن	پدرام و همکاران. ۱۳۹۲. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی	رساله	طرح نقش نگرش در نظریه و ارائه راه‌یافت «نظام نظریه- آینده‌پژوهی»	نقش اندیشه اسلامی در آینده‌پژوهی اسلامی طرح نقش نگرش اسلامی در نظریه	پژوهی دانشجو به مدل آینده‌اندیشی تمدن‌ساز	مدل آینده‌اندیشی تمدن‌ساز	شماره یا تأکید بر آینده‌اندیشی
۳	مبانی آینده‌پژوهی از منظر قرآن کریم	عالی‌نژاد و بهروزی لک. (۱۳۹۴). حوزه علمیه قم	رساله	استخراج مبانی عام و خاص آینده‌پژوهی از قرآن	طرح نقش نگرش اسلامی در نظریه			
۴	آینده‌اندیشی از منظر اسلام (با بهره‌گیری از تفاسیر قرآن کریم)	قربانی. ۱۳۸۵. همایش فناوری و چشم‌انداز توسعه: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.	مقاله همایش	ضرورت توجه به آینده نسل‌های آتی حسب تأکید قرآن	توجه اسلام به آینده و طرح مباحث قرآن کریم			
۵	ویژگی‌های قرآن، خبر دادن قرآن از حوادث آینده	جعفری. ۱۳۷۳. درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۴ - شماره ۷	مقاله همایش	بررسی ۸ گروه از آیات قرآن کریم در خصوص پیش‌بینی آینده	طرح و استناد به آیات قرآن کریم در خصوص پیش‌بینی آینده			

ادامه جدول ۱: خلاصه مطالعات مرتبط با تحقیق و نقاط اشتراک، افتراق، مغفول و نتیجه مقایسه هری

ردیف	عنوان تحقیق	استناد	شکل	نتایج	اشتراک	افتراق	مغفول	نتیجه
۶	نقش اراده انسان در تحقق آینده موعود از منظر قرآن	سقا و همکاران. ۱۳۹۳. انسان پژوهی دینی. سال یازدهم. شماره ۳۲.	مقاله همایش	طرح نقش تفکر آینده‌گرای قرآن در ساخت آینده	طرح بعضی مفاهیم و آیات قرآن در خصوص تفکر آینده‌گرا			
۷	آینده جهان از نظر قرآن و روایات	حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی. ۱۳۹۴. تارنمای پرسمان دانشجویی.	مصاحبه	طرح مؤلفه‌های ابعاد مختلف نظریه قرآن کریم در خصوص آینده	طرح مؤلفه‌های ابعاد مختلف نظریه قرآن کریم در خصوص آینده			
۸	درآمدی بر اسلام و آینده پژوهی	منطقی، ۱۳۹۱. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. سال اول. شماره ۴.	مقاله	تعریف آینده پژوهی اسلامی بیان بعضی تفاوت‌های اساسی بین آینده پژوهی اسلامی با آینده پژوهی‌های متداول	بررسی چستی آینده پژوهی اسلامی			

ادامه جدول ۱: خلاصه مطالعات مرتبط با تحقیق و نقاط اشتراک، افتراق، مغفول و نتیجه مقایسه هری

ردیف	عنوان تحقیق	استناد	شکل	نتایج	اشتراک	افتراق	مغفول	نتیجه
۹	مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی قدسی	ملکی فر. ۱۳۹۱، اندیشکده صنعت و فناوری (ارائه در سمینار آموزشی در مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی).	مقاله	طرح بایده‌نیادهای آینده‌پژوهی قدسی؛ به‌مثابه‌ی روایت خاص اسلام ناب از آینده‌پژوهی، آینده‌اندیشی قدسی: کامل‌تر از آینده‌پژوهی قدسی	طرح آینده‌اندیشی قدسی			
۱۰	آینده‌پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن	کارگر، ۱۳۸۹. مجله انتظار موعود. ش ۳۲.	مقاله	ضرورت آینده‌پژوهی سکولار بومی بر اساس رویکرد آینده‌شناسانه قرآن و مهدویت	ضرورت آینده‌پژوهی اسلامی			

ب- مبانی نظری و روش

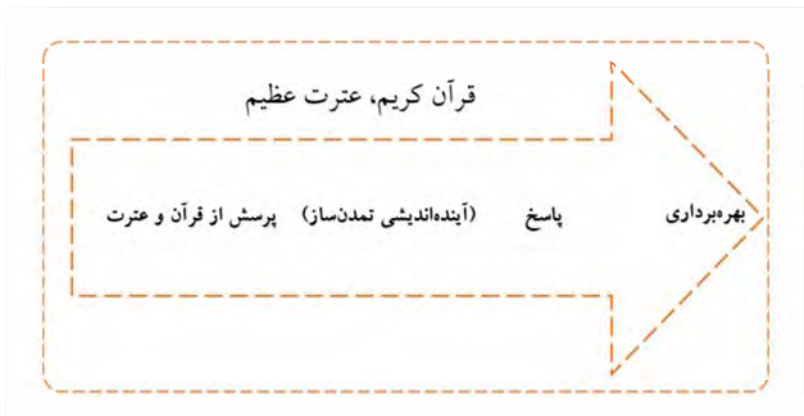
«مبانی نظری»، مفاهیمی بنیادین است که محقق بر اساس مطالعات تفسیری از قرآن و عترت استخراج می‌کند، اما «چارچوب نظری» را، محقق با استخدام نظریه‌ای از قبل تعریف‌شده از سوی دیگران، تعیین و مورد استفاده قرار می‌دهد؛ و بیشتر (نه اختصاصاً) در پژوهش‌های کمی کاربرد دارد.

بر این اساس، محقق نیز در پی تبیین «مبانی نظری» تحقیق است؛ نه استخدام نظریه‌های از پیش تعیین شده در قالب چارچوب نظری. اگرچه با توجه به این که مبانی نظری قرآن و عترت، ملاک تدوین این مدل است، می‌توان آن را به عنوان «چارچوب نظری» نیز در نظر گرفت. از طرفی، مبانی نظری در روش‌های تفسیری، بیشتر ناظر به رویکردهای تفسیری است. از میان رویکردهای تفسیری، «رویکرد قرآن به قرآن»، مورد تأکید مفسران بزرگی چون علامه طباطبایی، است. ایشان در تأکید بر تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر المیزان می‌نویسد: «خدای تعالی قرآن کریم خود را هدایت و نور و تبیان کل شیء معرفی کرده، آن وقت چگونه ممکن است چیزی که خودش نور است، به وسیله غیر خودش، یعنی قناده و امثال او روشن شود و چطور تصور دارد چیزی که هدایت است، خودش محتاج ابن عباس‌ها باشد، تا او را هدایت کند و چگونه چیزی که خودش بیان هر چیز است، محتاج سدی‌ها باشد تا آن را بیان کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۰). این استدلال تفسیری، ضمن این که مبین درستی انتخاب رویکرد تفسیری در این تحقیق است، بر «ضرورت پرهیز از تحمیل نظریه‌های غیر قرآنی بر قرآن کریم» نیز، تأکید می‌کند.

هم‌چنین، هدف از علم تفسیر، کشف معانی و مقاصد آیات و فهم یا همان مراتب علم است. علم الهی، عبارت است از ذات او و ذاتش، عین علما و به معلومات (همان، ج ۱۹، ص ۲۶۱)؛ هیچ چیز نیست، مگر آن که در علم خداست و خلق، تدبیر، قدرت، احاطه، اول و آخر و ظاهر و باطن، ... نیز از شقوق علم الهی هستند (همان، ص ۲۵۵).^۲ بر این اساس، عالی‌ترین مراتب علم در بعد مفهومی در قرآن کریم و در بعد مصداقی در عترت عظیم است؛ لذا روشن است که مبانی نظری این تحقیق نیز، مبتنی بر قرآن کریم و عترت عظیم است و طرح مسئله «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» و پاسخ آن؛ یعنی «تدوین و ترسیم مدل چنین دستگاہی» را تنها باید در قرآن کریم و روایات مؤید در عترت جستجو کرد (شکل شماره ۳).

۱. «... داشتن چنین قدرتی لازمه ربوبیت است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۷۵).

۲. «اسمای چهارگانه اول، آخر، ظاهر و باطن (حدید، ص ۳)، چهار شاخه و فرع از نام محیط و محیط نیز شاخه‌ای از اطلاق قدرت الهی است؛ زیرا قدرتش محیط به هر چیزی است هم‌چنین این اسماء به نوعی بر علم خدای تعالی بستگی و تفرع دارند به همین دلیل، در ذیل آیه مذکور به علم الهی نیز پرداخته است: وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (حدید: ۳) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۵).



شکل ۳: مدل مفهومی مبانی نظری تحقیق

روش‌شناسی و روش تحقیق

با توجه به تأکید مبانی نظری تحقیق بر کشف و استخراج معانی و مقاصد مرتبط با تحقیق از «قرآن و عترت»؛ نه منابع دیگر، «روش‌شناسی» مورد استفاده در این تحقیق نیز، «روش‌شناسی تفسیر موضوعی» با «رویکرد قرآن به قرآن» است. «روش» مبتنی بر آن نیز، «روش تفسیر موضوعی استخراجی» است؛ که در آن، «مسئله و حکم یا پاسخ»، از «قرآن کریم» استخراج می‌شود (شکل شماره ۲). شیوه گردآوری داده‌ها از قرآن نیز، مطالعه و تفسیر آیات و فیش‌برداری موضوعی برای شناسایی ابعاد یا وجوه مختلف «دستگاه آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» است. داده‌ها نیز حسب روش تفسیری و دلالت‌های مختلف، تدوین و تحلیل شده و مراحل تحقیق نیز، به شرح شکل شماره (۴) است.



شکل ۴: مراحل تولید مدل آینده‌اندیشی تمدن‌ساز با استفاده از روش تفسیر موضوعی استخراجی

لازم به توضیح است که مهم‌ترین مرحله در بُعد پرده‌برداری از مفاهیم و مقاصد قرآن کریم، مرحله اول یعنی «تفسیر ترتیبی» است؛ زیرا معانی و مقاصد کشف‌شده در این مرحله، زیربنای مراحل بعداست و اگر معانی و مقاصد الفاظ، آیات، سیاق، ... در این مرحله به درستی کشف و فهم نشود، مراحل بعدی نیز بر همان اساس طی شده و نتایج تحقیق نیز اشتباه خواهد شد.

اما باید دانست، بیش از ۱۴ گام برای مرحله تفسیر ترتیبی ذکر شده (حیدری‌فر، ۱۳۹۲، ص ۳۸) و مفسر روش تفسیر ترتیبی، علاوه بر تهذیب نفس؛ که شرط اساسی برای دسترسی به بطون قرآن کریم و دستیابی به عترت عظیم است (احزاب، آیه ۳۳؛ واقعه، آیه ۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۳۷ و علوی‌مهر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲)، نیاز به یادگیری ده‌ها علم پیش‌نیاز دارد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷)؛ این در حالی است که از بین هزاران طلبه‌ای که وارد حوزه‌های علمیه می‌شوند یا خود به تحصیل علم تفسیر می‌پردازند، تعداد بسیار اندکی، مفسر قرآن کریم به این معنا می‌شوند. از طرفی، با توجه به این‌که فهم انسان و مفاهیم قرآن کریم نیز مراتب دارد، از بین تفسیرهایی که به این شکل تولید می‌شوند، تنها آن‌هایی معتبر و قابل اعتناء هستند که مفسر آن‌ها نیز، مهذب و مجاهد فی سبیل‌الله باشد. بر این اساس، اگر محقق دانشگاهی یا حوزوی، بخواهد با طی این مراحل، به پژوهش در مباحث قرآنی با «رویکرد قرآن به قرآن» یا «روش تفسیر استخراجی» (طرح مسئله و پاسخ از قرآن کریم)، بپردازد، عملاً به ده‌ها سال زمان؛ تنها برای یادگیری و مهارت در مقدمات این روش‌شناسی، نیاز خواهد داشت و با توجه به نیازهای روزافزون و مباحث مستحدثه فراوان و ضرورت پاسخ به آن‌ها از قرآن و عترت از یک‌سو و وجود افراد با استعداد برای استخراج نظریه‌های کلان از این معانی و مقاصد از سوی دیگر، لازم است برای راه‌گشایی و حل این مسئله، تدابیری اندیشیده شود.

بعضی محققان راه‌حلی برای این مسئله ارائه کرده‌اند. راه‌حل محقق این است که این مراحل این نوع تفاسیر و تحقیق‌ها، به صورت تیمی صورت گیرد. در این صورت، مفسر ارجمند ماهر، با واسطه یا بدون آن، نظارت و هدایت لازم و کافی را؛ به‌خصوص در مرحله تفسیر ترتیبی، از محقق یا تیم تحقیقی به عمل خواهد آورد. همان‌طور که اشاره شد، با توجه به این‌که مرحله اول تفسیر (ترتیبی) از اهمیت زیادی برخوردار است، اگر به دلایلی، مفسر مذکور در دسترس نباشد، می‌توان از آثار «تفسیر ترتیبی» یا «تفسیر ترتیبی - موضوعی» او استفاده کرد؛ که در این تحقیق، از این روش استفاده شده و برای این مهم، دو تفسیر وزین و معتبر المیزان و تسنیم انتخاب و در مرحله اول؛ و در مواردی از مرحله دوم، از این دو منبع تفسیری گران‌سنگ استفاده شده است. روشن است، تحلیل

منطقی مبتنی بر روش‌های تفسیری، در مراحل بعد به‌خوبی قابل استفاده است و با توجه به الگویی که در مرحله تفسیر ترتیبی یا ترتیبی - موضوعی ارائه‌شده، می‌توان در مراحل تفسیر موضوعی یا نظریه‌ساز نیز از آن‌ها استفاده کرد.

برای ساخت «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز»، لازم است مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ابعاد یا وجوه اصلی آن؛ که در واقع همان موضوعات جزئی و کلی مرتبط با موضوع تحقیق می‌باشند، از قرآن و عترت استخراج شوند. برای این منظور، ابتدا با استفاده از تفسیر ترتیبی، کل آیات قرآن کریم (۶۲۳۶ آیه) در رساله دکتری محقق موردبررسی و تفسیر قرار گرفته، سپس با استفاده از تفسیر موضوعی، موضوعات مرتبط شناسایی و در طبقات معنایی نزدیک به هم، دسته‌بندی و رابطه بین آن‌ها تحلیل و تبیین شد. پرسش‌های این تحقیق، در واقع برای انتخاب بخشی از آیاتی است که نشان‌دهنده موضوعات جزئی‌تر یا همان مؤلفه‌های شکل‌دهنده «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» است.

پ- بدنه اصلی مقاله

در این بخش، به تناسب پرسش‌های تحقیق، مباحث موردنیاز برای استخراج مؤلفه‌های ابعاد شکل‌دهنده مفهوم «مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» طرح و بحث شده است.

۱. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آینده‌اندیشی

برای استخراج مؤلفه‌های شکل‌دهنده آینده‌اندیشی در قرآن و عترت، «شناخت و گردآوری موضوعاتی از قرآن و عترت که مؤلفه‌های مختلف که این مفهوم را می‌سازند ضروری است. حسب مطالعات اکتشافی محقق، برای اندیشیدن به‌هرچیزی، اولاً وجود تصویری از آن، ثانیاً، محلی برای اندیشیدن به آن، ثالثاً، انگیزه‌ای برای معطوف شدن ذهن به آن چیز ضروری است. این مفاهیم در قرآن و عترت به‌وفور مورد توجه قرار گرفته که در ادامه، بخشی از آن‌ها در حد کفایت بحث طرح و بحث شده است.

۱-۱. تصویرهای ذهنی

بر اساس تفسیر آیات متعددی از قرآن کریم، مشاهده یا تصویرهای ذهنی، از مؤلفه‌های اساسی هر نوع اندیشیدن و فهمی محسوب می‌شوند. در این‌جا، بخشی از آن‌ها در حد کفایت بحث بیان شده است.

حسب روایات متعدد، «فهم»؛ نتیجه اندیشیدن است و همانند «فکر»، جزو «جنود عقل» است (حرانی، ۱۴۰۴، آیه ۴۰۱). فهم (۱) یا با مشاهده مستقیم است؛ مانند اهل یقین که قادر به مشاهده آتش جهنم هستند:

«كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» (تکاتر: ۷-۵)؛ «یعنی اگر کسی اهل علم یقین باشد و به آن اعتقاد داشته و برابر آن عمل کند، جهنم را هم اکنون می‌بیند؛ یعنی علم حضوری به دوزخ پیدا می‌کند؛ نه این‌که پس از مرگ جهنم را می‌بیند؛ چون آن زمان، کافر و ملحد نیز جهنم را می‌بینند: «رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا» (سجده، آیه ۱۲)» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۴، ص ۱۰۷)؛ (۲) یا با واسطه تصویرهایی است که در ذهن تشکیل می‌شود:

علامه طباطبایی، در تفسیر آیه ۶ سوره آل عمران (۳): «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران، آیه ۶)؛ می‌نویسد: «تصویر به معنای انداختن عکس چیزی یا کسی است، ولی کلمه صورت اعم از آن است و شامل تمامی چیزهای سایه‌دار و بی‌سایه می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، آیه ۱۸). در قاموس ضمن اشاره به آیات مختلف قرآن کریم، در خصوص کلمه «صَوَّرَ» می‌نویسد: «صَوَّرَ: صورت به معنی شکل است جمع آن صور (بر وزن سرد) است. تصویر: صورت دادن و شکل دادن می‌باشد؛ "وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ" (غافر، آیه ۶۴)؛ یعنی شما را تصویر کرد و شکل‌هایتان را نیکو قرار داد» (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، آیه ۱۶۳). در قاموس آمده: «تصویر آدمی در رحم مادران انجام می‌گیرد. "هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ" (آل عمران، آیه ۶). سلولی که بشر از آن به وجود می‌آید حیوان ساده‌ای است به شکل زالو که اصلاً شباهت به انسان ندارد سپس به تدریج در اثر مشیت و نظم خدائی به صورت پسر یا دختر می‌آید و آن چیز ساده به موجودی زیبا و موزون مبدل می‌شود. "وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ" (اعراف، آیه ۱۱). یعنی شما را اندازه گرفتیم سپس صورت دادیم؛ مصور: صورت دهنده. از اسماء حسنی است "هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى" (حشر، آیه ۲۴). تصویر خدایی، فقط به انسان اختصاص ندارد، بلکه شامل تمام موجودات است؛ و دقائق تصویر در همه مخلوقات ساری و هویدا است» (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۶۳).

علامه طباطبایی هم‌چنین، در ذیل تفسیر آیه ۱۳ سوره توبه (۹): «أَلَا تَتَذَكَّرُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ...» (توبه: ۱۳)؛ یعنی: «آیا پیکار نمی‌کنید با مردمی که سوگندهای خود را شکستند...»؛ در بحثی در خصوص عقود و معاهدات می‌نویسد: «انسان در مسیر زندگی‌اش همواره کارهای خود را و آن موادی را که کارهایش مربوط به آن است به صورت امور وجودی و موجودات خارجی تصویر نموده و

احکام و آثار امور خارجی را بر آن مترتب نموده و قوانین جاری در کون را؛ آن‌طور که با غرض‌هایش مناسب باشد، در آن‌ها اجرا می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۴۶). وی هم‌چنین می‌نویسد: «اگر افکار یک انسان اجتماعی به‌طور صحیح تجزیه و تحلیل شود، مشخص می‌شود که برگشت همه آن‌ها به تصورها و تصدیق‌هاست» (همان).

وی هم‌چنین، ضمن تفسیر و توضیح معنی فقه؛ در آیه ۱۷۹ سوره اعراف (۷): «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹)؛ یعنی: «بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریده‌ایم دل‌ها دارند که با آن فهم نمی‌کنند چشم‌ها دارند که با آن نمی‌بینند گوش‌ها دارند که با آن نمی‌شنوند ایشان چون چارپایانند بلکه آنان گمراه‌ترند ایشان همانانند غفلت‌زدگان»؛ آن را مستقر شدن فهم دانسته؛ که صورتی ذهنی است. وی در این خصوص می‌نویسد: «کلمه فقه، به معنای آن است که فهم؛ یعنی همان صورت ذهنی، را بپذیرد و در پذیرش و تصدیق آن مستقر شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۲).

از امام علی (علیه‌السلام) نیز نقل است که فرمود: «الْأَدَابُ تَلْقِيحُ الْأَفْهَامِ وَتَسَائِجُ الْأَذْهَانِ» (کراجکی، ۱۴۱۰ق: ۳۱۹). یعنی: «آداب از فهم مایه گیرند و در ذهن بزایند» (کراجکی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۳). از امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به سؤال زندیقی نقل شده که فرمود: «... هر موهومی که در وهم و خیال درآید، به‌واسطه حواس درک شود، به یکی از دو راه: یکی آن‌که حواس آن را تحدید و تعیین کند و به حقیقت آن احاطه نماید و دیگر آن‌که ممثل و مصور گرداند به‌صورت و کالبدی که دارد و آن مخلوق است» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۰).

قرآن کریم به‌مناسبت مباحث مختلف، مفاهیم و معانی موردنظر خود را بایبانی زیبا و رسا، در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر انسان مطهر و قلب او سالم باشد، به‌خوبی قادر به فهم آن‌هاست. بعضی معتقدند که «سه‌چهارم آیات قرآن شامل تعابیر تصویری و نمایشی است» (سیدقطب، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰).

حسب نظر علامه طباطبایی در المیزان، «فکر، یگانه اساس و پایه ایست که کمال وجودی و ضروری انسان، بر آن پایه بنا می‌شود؛ پس انسان چاره‌ای جز این ندارد که درباره هر چیزی که ارتباطی باکمال وجودی او دارد؛ چه ارتباط بدون واسطه و چه باواسطه، تصدیق‌هایی عملی و یا نظری داشته باشد؛ و این تصدیقات، همان مصالح کلیه‌ایست که ما افعال فردی و اجتماعی خود را با

آن‌ها تعلیل می‌کنیم و یا قبل از این‌که افعال را انجام دهیم، نخست افعال را با آن مصالح در ذهن می‌سنجیم و آن‌گاه با خارجیت دادن به آن افعال، آن مصالح را به دست می‌آوریم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۱۷).

ایشان در ادامه می‌نویسد: «همه این معانی و قواعدی که ناشی از آن‌ها می‌شود، اموری است که اگر طبیعت انسانیت آن را درست کرده، با الهامی از خدای سبحان بوده، الهامی که خدا به وسیله آن، طبیعت انسان را لطیف کرده تا قبل از هر کار، نخست آن‌چه را که معتقد است و می‌خواهد در خارج به وجود آورد، تصور کند و آن‌گاه نقشه‌های ذهنی را صورت عمل بدهد و یا اگر صلاح ندید ترک کند و به این وسیله استکمال نماید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۰۶).

بر اساس مطالب بالا، تصویرهای ذهنی تصدیق شده، ملاک افعال فردی و اجتماعی انسان است. بخشی از این تصویرها که خود نتیجه تفکرند، «تصویرهای پایه، ملاک یا شاخص» و بخشی دیگر، «نقشه‌های ذهنی» برای عمل هستند.

جمع‌بندی بخش تصویرهای ذهنی

از مطالب ذکر شده بالا، این مطالب قابل استنباط و استخراج است: (۱) فهم، مشاهدتی یا باواسطه است و آن عبارت از نوعی صورت یا تصویر ذهنی است. (۲) صورت‌ها یا تصویرهای ذهنی، قابل قضاوت، پذیرش (تصدیق) یا رد، هستند. بر اساس یافته‌های تحقیق، می‌توان از چند نوع تصویر ذهنی سخن گفت: اول، تصویرهای ذهنی دریافتی یا ادراک شده، دوم، تصویرهای ذهنی تصدیق شده؛ که خود شامل دو بخش «تصویرهای ذهنی پایه یا شاخص» و «تصویرهای ذهنی دریافتی معمول»؛ که در فرایند اندیشیدن، با تصویرهای شاخص مقایسه و در صورت داشتن ویژگی‌های مورد تأیید، تصدیق و پذیرش می‌شوند. تصویرهای ذهنی ملاک یا شاخص، در واقع همان اعتقادات و باورهای اساسی انسانند. (۳) ممکن است انسان در اثر غفلت و گناه، حقایقی که به‌وضوح جلوی چشمانش قرار دارد را فهم نکند، نبیند و نشنود؛ به عبارت دیگر، غفلت و گناه، بین دستگاه اندیشه و امور واقع حائل شده و مانع فهم می‌شوند، (۴) هر تصویر ذهنی موجد فهم و درک، حامل پیام یا پیام‌هایی است که تصویر مذکور آن‌ها را در دایره مشاهدتی ذهن قرار می‌دهد.

۱-۲. دستگاه اندیشه و انگیزه

حضرت آیت‌الله جوادی آملی، در تفسیر آیه ۷ سوره همزه (۱۰۴): «الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْفُؤَادِ» (همزه:

۷؛ یعنی: «آتشی که نه تنها ظاهر جسم را می‌سوزاند بلکه بر باطن و جان انسان نیز نزدیک می‌شود»، از «دستگاه اندیشه و فکر مبتنی بر فؤاد^۱ یادل» نامبرده و آن را محور «اندیشه نظر» و «انگیزه عمل» دانسته است (رک: جواد آملی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۹۴). بر این اساس، محل دستگاه اندیشه، فؤاد یا دل و کار آن، اندیشه و انگیزه است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سه مؤلفه تصویر اشیاء، دستگاه اندیشه و انگیزه، از قرآن کریم و عترت استخراج شد؛ که در واقع، ارکان تشکیل دهنده «آینده‌اندیشی» هستند؛ که خود، بعدی از ابعاد «دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» محسوب می‌شود.

۱-۳. نقش انگیزه در فرایند آینده‌اندیشی

پرسش‌های مهمی که در بخش انگیزه دستگاه آینده‌اندیشی قابل طرح است و برای «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» مورد نیاز خواهد بود، آن است که از میان تصویرهای متعدد دریافتی از طریق ذهن، چه چیزی موجب توجه و معطوف شدن اندیشه به (۱) تصویرهای دریافتی از آینده می‌شود و (۲) از بین تصویرهای دریافتی متعدد از آینده، دستگاه آینده‌اندیشی چگونه بعضی تصویرها را انتخاب و اولویت‌بندی می‌کند. روشن است که تبیین مؤلفه «انگیزه» در بحث آینده‌اندیشی، در پاسخ به این دو پرسش صورت خواهد گرفت.

در پاسخ به پرسش‌های مزبور؛ همان‌طور که در مبحث تصویرهای ذهنی اشاره شد، هر تصویر ذهنی، حامل پیام یا پیام‌هایی است که با تصویرهای پایه یا شاخص، موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته، سپس تصدیق یا رد می‌شود. بر اساس مطالب مذکور، پس از تصدیق تصویرهای ادراک شده، در فرایند تفکر و آینده‌اندیشی، نقشه‌های ذهنی برای عمل در ذهن تولید می‌شود؛ که به‌طور طبیعی، می‌توان در یک فرایند برنامه‌ریزی و با دریافت نقشه‌های ذهنی سایر افراد و کارشناسان، آن را به یک برنامه‌ی فردی یا اجتماعی مناسب برای عمل تبدیل کرد.

پروردگار عالم، نفع و ضرر را به‌عنوان ابزارهای ربوبی آفرید و حالت‌های بیم (ترس)، امید (طمع) و محبت را بر اساس آن‌ها در انسان ایجاد کرد. بر اساس تفسیر علامه طباطبایی از آیه ۵۶ سوره اسراء

۱. «افئدة، جمع کلمه فؤاد به‌معنای قلب است و مراد از قلب در اصطلاح قرآن کریم (عضو صنوبری شکل که تلمبه خون برای رساندن آن به سراسر بدن است نیست بلکه) چیزی است به نام نفس انسانیت، که شعور و فکر بشر از آن ناشی می‌شود» (علامه طباطبایی، ج ۲۰، ۱۳۷۴: ۶۱۷).

(۱۷) در میزان، ربی مستحق پرستش است که قادر بر رساندن منفعت و دفع ضرر باشد، چون داشتن چنین قدرتی ابزار ربوبیت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۷۵).

بر این اساس، محرک‌های مبتنی بر ابزارهای ربوبی عبارتند از ترس، طمع و محبت؛ که هر یک شقوق و ابعاد مختلفی نیز دارند؛ مانند خشیت، که ترس یا خوفی قلبی است و تنها از خدای متعال جایز است (بینه، آیه ۸ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۷۸) و یا طمع؛ که شقوق رجاء (امید)، امل و امثال آن را نیز در برمی‌گیرد. حسب تفسیر آیه ۲۰ سوره حدید (۵۷) خدای تعالی به یکی از سه وجه خوف، رجاء و حب عبادت می‌شود (حدید، آیه ۲۰ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۴). حسب بیانی که گذشت، محل انگیزه‌های مزبور، قلب است که علاوه بر آن که محل اندیشه نظر است، محل انگیزه نیز هست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۹۴).

در جلب توجه انسان به تصویرهای ذهنی، دو موضوع اهمیت بیشتری دارند: یکی تصویرهای پایه یا شاخص که مبتنی بر باورهای اساسی و اعتقادات انسان هستند و دیگری، میزان ضرر، نفع یا شایستگی ادراک شده از تصویرهای دریافتی است. در خصوص نقش و تأثیر تصویرهای پایه باید گفت این تصویرها، می‌تواند دو حالت مختلف را در یک پدیده واحد مانند «تهدید به کشته شدن»، در انسان ایجاد کند. این تهدید در کسی که بر اساس تصویرهای پایه او، کشته شدن در راه خدا فضیلتی بزرگ و شهادت است و به سنت «احدی الحسنین» (توبه، آیه ۵۲) اعتقاد دارد، نه ترسی در او ایجاد می‌کند و نه حزن و اندوهی؛ اما همان تهدید، در کسی که چنین تصویری ندارد، بالاترین حد ترس و اندوه را ایجاد می‌کند.

در خصوص میزان ضرر، نفع یا شایستگی ادراک شده از تصویرهای ذهنی می‌توان گفت، بر اساس آیات مختلف قرآن کریم؛ مانند آیات بهشت و جهنم، انذار و تبشیر، ... ، بالاترین میزان ضرر، دوری از قرب و بهشت الهی و ورود به جهنم است و بالاترین میزان نفع حقیقی، قرب و بهشت الهی است. هم‌چنین، خدای متعال، شایسته پرستش است و این شایستگی در انسانی که دارای مراتب ایمان و قلب سلیم است؛ بدون توجه به نفع و ضرر، ایجاد محبت و علاقه می‌کند.

علامه طباطبایی، در تفسیر ذیل آیات ۱ تا ۱۹ سوره ذاریات (۵۱) در خصوص اهمیت حسب و کتاب روز قیامت، آن را تضمینی برای توحید و نبوت دانسته می‌نویسد: «اگر حساب و جزای روز قیامت نباشد، ایمان به وحدانیت خدا و نبوت انبیاء لغو و بی‌اثر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۴۶).

نکته مهم قابل ذکر در این جا آن است که با این که موارد ذکر شده، حقایق ضرر، نفع و شایستگی هستند اما مصداق آن‌ها در انسان‌های غیر مؤمن؛ که عناصر تصویرهای پایه یا شاخص آن‌ها غیر الهی است، متفاوت است. روشن است که شاخص‌های تصویرهای ذهنی ملاک این گروه، بسیار متنوع و متکثر است و تنها نکته مشترک بین آن‌ها غیر الهی بودنشان است. حسب آیات مختلف قرآن کریم در خصوص این منبع الهی، مطمئن‌ترین منبع برای تصویرهای پایه و دریافتی، در هدایت اولی، فطرت و عقل و در هدایت دومی، قرآن کریم و عترت عظیم است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نقش تصویرهای پایه یا شاخص در «دستگاه آینده‌اندیشی»، نقشی اساسی و بی‌بدیل است.

بر اساس مطالب ذکر شده می‌توان گفت، علت این که توجه انسان مؤمن، از بین تصویرهای دریافتی مختلف گذشته، اکنون و آینده، به تصویرهای آینده معطوف می‌شود، آن است که اولاً انسان می‌داند که دیر یا زود با حقایق و امور واقع این تصویرها؛ که ابدی هم هستند، مواجه خواهد شد و گذشته گذشته است و تنها می‌توان از تجارب و عبرت‌های آن بهره‌مند شد و اکنون نیز در حال گذر است، ثانیاً، میزان نفع و ضرر حقیقی آینده؛ که عبارتند از بهشت و جهنم، از هر نفع و ضرر دیگری بیشتر است. اولویت‌بندی تصویرهای دریافتی نیز با توجه به میزان نفع و ضرری که در پیام آن‌ها دریافت می‌شود تعیین می‌شود.

بر اساس مطالب ذکر شده می‌توان گفت، انگیزه‌های ذکر شده، هر یک به تناسب میزان و مرتبه ایمان انسان، در آن‌ها تأثیرگذارند و این تأثیر موجب می‌شود تا وی، اندیشه و عمل خود را؛ تحت عنوان «ایمان و عمل صالح» در چارچوب آنچه خدای متعال فرمود؛ یعنی قرآن و عترت تنظیم کند.

۱-۴. آثار آینده‌اندیشی در قرآن و عترت

با توجه به انگیزه‌های ترس، طمع و محبت، که در آینده‌اندیشی وجود دارد، آیات مختلف قرآن کریم، مستقیم یا غیرمستقیم بر اندیشیدن در آنچه انسان برای فردای خود از پیش می‌فرستد، تأکید دارند:

آیه ۱۸ سوره حشر (۵۹): «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر، آیه ۱۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و هر انسانی منتظر رسیدن به اعمالی که از پیش فرستاده باشد و از خدا بترسید چون خدا با خبر است از آنچه می‌کنید» (حشر: ۱۸ و رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۷۷).

آیه ۱۰۵ سوره توبه (۹): «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه، آیه ۱۰۵)؛ یعنی: «بگو (هرچه می‌خواهید) بکنید که خدا عمل شما را خواهد دید و هم‌چنین رسول او و مؤمنان نیز، به‌زودی شما را به‌سوی دانای غیب و شهود می‌برند و خدا شما را از اعمالی که می‌کردید خبر می‌دهد».

آیه ۱۲ سوره یس (۳۶): «... نَكْتَبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ...» (یس، آیه ۱۲)؛ یعنی: «...آن‌چه کرده‌اند و آن‌چه از آثارشان بعد از مردن بروز می‌کند همه را می‌نویسیم...».

آیه ۱۵ سوره جاثیه (۴۵): «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ اَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ اِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (جاثیه، آیه ۱۵)؛ یعنی: «هرکس عمل صالح کند به‌نفع خود کرده و هرکس بدی کند علیه خود کرده و سپس همگی به‌سوی پروردگارتان برمی‌گردید». حسب تفسیر علامه طباطبایی ره، در تفسیر المیزان، این آیه (جاثیه، آیه ۱۵) به‌منزله تعلیلی است برای جمله "لِيُجْزِيَ قَوْمًا..." (جاثیه، آیه ۱۴)؛ در نتیجه معنایش این می‌شود: «خدای تعالی ایشان را به آن‌چه کردند جزاء می‌دهد، برای این‌که اعمال هرگز بی‌اثر رها نمی‌شود، بلکه هر کس عملی صالح کند از آن بهره‌مند می‌شود و هر کس عملی زشت کند از آن متضرر می‌گردد و بعد همگی شما به‌سوی پروردگارتان مراجعه خواهید نمود و او برحسب اعمالی که کرده‌اید جزایتان می‌دهد، اگر اعمالتان خیر باشد جزای خیر و اگر شر باشد جزای شر می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۵۰).

آیه ۱۳ سوره قیامت (۷۵): «يُنَبِّئُ الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَآخَرَ» (قیامت، آیه ۱۳)؛ یعنی: «آن‌روز آدمی به هر نیک و بدی که در مقدم و مؤخر عمر کرده از نتیجه همه آگاه خواهد شد». «منظور از "ما قدم" خوبی و بدی‌هایی است که انسان در اول عمرش کرده. منظور از "و آخر" کارهای نیک و بد آخر عمر است و یا منظور از اولی نیک و بدی‌هایی است که خودش در همه عمر کرده و منظور از دومی آثار خیر و شری است که او منشاش را در بین مردم باب نموده و اگر سنت حسنه‌ای برای بعد از خودش باب کرده پاداش می‌بیند و اگر سنت سیئه‌ای باب کرده عقاب می‌بیند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۶۸).

بر اساس مطالب ذکرشده می‌توان گفت که در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس (۳۶)؛ و آیات زیاد دیگری در قرآن کریم، خدای متعال به هستی‌شناسی وقوع قیامت و زنده‌کردن مردگان (آینده دنیوی و اخروی) اشاره و به‌وضوح اعلام فرموده که همه اعمال انسان؛ اعم از خیر و شر و آن‌ها که برای قیامت کرده و آن‌هایی که آثارشان در دنیا باقی است، برای حساب و کتاب در روز قیامت ثبت و

ضبط می‌شود (رک: یس، آیه ۱۲) و در آیه در آیه ۱۵ سوره جاثیه (۴۵) نیز فرموده که اعمال خوب نتیجه خوب و اعمال بد نتیجه بد دارند و در آیه ۱۳ سوره قیامت (۷۵)، فرمود که نتایج نیک و بد اعمال خود را می‌بیند.

روشن است، با چنین وضعیتی، انسان باید در اعمال و رفتار فردی و اجتماعی خود نظر کند تا مبدا خلاف قرآن و عترت عمل کرده باشد؛ که اگر چنین است، تا فرصت دارد آن‌ها را اصلاح، جبران و توبه کند و اگر کارهایی باید می‌کرده و نکرده، تا فرصت زندگی دنیوی باقی است انجام دهد. لذا خدای متعال در آیه ۱۸ سوره مبارکه حشر (۵۹)، انسان مؤمن را به چنین اقداماتی امر فرموده تا بدانند خداوند از همه کارهای آن‌ها با خیر است؛ و در آیه قبل هم به ثبت همه اعمال اشاره شد، فلذا لازم است از خدا بترسند و بدانند که هر عملی انجام داده باشند، در دنیا یا قیامت گریبان آن‌ها را خواهد گرفت؛ اگر اعمال نیک کرده باشند، پاداش و اگر خلاف آن عمل کرده باشند، مجازات خواهند شد.

۲. «مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی»

بعد دیگر مفهوم «دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز»، تمدن‌سازی مبتنی بر قرآن و عترت است که در این بخش، از قرآن و عترت استخراج شده است.

۲-۱. الگوی تمدن اسلامی در قرآن و عترت

حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز در پیام سال ۱۳۹۴ به همایش ملی تمدن نوین اسلامی فرمودند: «تمدن اسلامی را در مشترکات بین انسان و فرشته باید جستجو کرد» (جوادی آملی، ۱۳۹۴). ایشان، جهالت علمی و عملی را مانع تمدن‌سازی دانسته می‌فرماید: «جامعه را عقل و محبت اداره می‌کند، جهل علمی و جهالت عملی مزاحم تمدن جامعه است، جامعه‌ای متمدن خواهد بود که عقلانیتش و محبتش در سایه رهبری‌های انبیای عظام به حد نصاب خود برسد و در سایه محبت و وداد و عقلانیت جامعه را متمدن نکند» (همان).

در قرآن کریم، آیات متعددی بر تحقق «حکومت جهانی اسلام» و غلبه دین اسلام بر کل ادیان و نحله‌های فکری دیگر تأکید کرده‌اند؛ که در ادامه به بخشی از این آیات اشاره شده است.

آیه ۵ سوره قصص (۲۸): «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأُولَئِينَ» (قصص، آیه ۵)؛ یعنی: «ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم».

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در خصوص این آیه، روایتی از امام علی (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: «دنيا بعد از همه سرکشی‌هایش سرانجام زیر بار ما خواهد رفت و رو به ما خواهد نمود همانند شتری که در آغاز بچه خود را شیر نمی‌دهد و لگدپرانی می‌کند و سرانجام به وی میل و عطوفت می‌کند آن‌گاه این آیه را تلاوت فرمود» (طباطبایی، ج ۱۶، ۱۳۷۴، ص ۱۸).

حضرت آیت‌الله جوادی آملی نیز، در تفسیر تسنیم مصادیق این آیه را منحصر در بنی‌اسرائیل ندانسته و می‌نویسد: «سخن از مستضعفان و نجات آنان و امامتشان روی زمین قبل از اسلام نیز مطرح بوده است، چنان‌که آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ» درباره مستضعفان بنی‌اسرائیل نازل شده است؛ ولی این آیه شریفه به مورد خویش منحصر نمی‌شود و کامل‌ترین مصداق مستضعفان (نه مستضعف در دین)، در این چند آیه امامان معصوم (علیهم السلام) هستند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۵۲۶).

آیه ۳۳ سوره توبه (۹): «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، آیه ۳۳)؛ یعنی: «اوست که پیغمبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین‌ها غلبه دهد اگرچه مشرکان کراهت داشته باشند».

سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (فتح، آیه ۲۸)؛ یعنی: «او کسی است که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق را بر همه ادیان غالب سازد و این گواهی خدا کافی‌ترین گواهی است».

روشن است که این غلبه، هنوز رخ نداده و به وعده قطعی الهی قرآن کریم، در آینده محقق خواهد شد. آیات در این باب فراوان است که درج همه آن‌ها ممکن نیست. آنچه از این بخش می‌توان نتیجه گرفت این است که به‌طور قطع و یقین، روزی اسلام بر تمامی ادیان غلبه کرده و حکومت جهانی؛ با حضور مستقیم امام معصوم (علیه السلام) در رأس آن تشکیل خواهد شد. روشن است که آن حکومت، مصداق بارز «تمدن جهانی اسلام» خواهد بود.

«تمدن نوین اسلامی» نیز، در راستای تقرب به «تمدن جهانی اسلام» معنی اسلامی پیدا می‌کند؛ که محور اصلی آن نیز، آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت بوده و همان‌طور که در عنوان «مؤلفه‌های تحقق تمدن اسلامی و نقش آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» بیان شده، با تخلق به اخلاق اسلامی در ابعاد جامع روابط انسان، محقق خواهد شد.

بدیهی است، تمدن‌هایی که قبل از آن تمدن آرمانی تشکیل می‌شوند، از محدودیت‌هایی برخوردارند. برای نمونه، در رأس آن تمدن آرمانی، امام معصوم قرار دارد درحالی‌که در رأس

تمدن‌های اسلامی ذیل آن، ولی فقیه قرار دارد؛ دامنه و گستره سرزمینی و جغرافیایی آن تمدن، جهانی است، درحالی‌که گستره این تمدن، محدود به یک یا چند کشور است؛ اگرچه حوزه نفوذ آن می‌تواند گسترده‌تر باشد. در جدول شماره (۲)، بخشی از تفاوت‌های این دو تمدن؛ که در طول یکدیگرند، درج شده است.

جدول ۲: مقایسه بعضی ویژگی‌های تمدن جهانی اسلام و تمدن نوین اسلامی:

تمدن جهانی اسلام	تمدن نوین اسلامی
با حضور امام (عجل الله تعالی فرجه)	با حضور نایب امام (عجل الله تعالی فرجه)
محدوده جغرافیایی جهانی	محدوده جغرافیایی کشوری و احیاناً منطقه‌ای
انطباق حوزه جغرافیایی حداکثری با حوزه نفوذ حداکثری	گسترده‌تر بودن حوزه نفوذ نسبی از حوزه جغرافیایی محدود
احاطه کامل بر کل کشورها	حوزه نفوذ منطقه‌ای و تاحدودی جهانی
تحقق کامل اخلاق	تحقق نسبی اخلاق

۲-۲. مؤلفه‌ها یا ویژگی‌های انسان تمدن‌ساز در قرآن و عترت

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات متعدد؛ که بخشی از آن‌ها بیان شد، «تمدن جهانی اسلام» به اذن الهی و به وسیله انسان کامل محقق خواهد شد (توبه، آیه ۳۳؛ فتح، آیه ۲۸؛ صف، آیه ۹)؛ انسانی که خلیفه الهی است (بقره، آیه ۳۰) و تمامی افلاک برای او خلق شده است: «لَوْ لَاكَ مَا خَلَقْتُ الْاَفْلاَكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۲۸). بر این اساس، با شناخت ویژگی‌های چنین انسانی، می‌توان به شاخص‌های اصلی و کامل انسان تمدن‌ساز دست یافت و برای تحقق مقدمات یا الگوهای کوچک‌تر، از این شاخص‌ها بهره گرفت.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در رأس «حکومت جهانی آینده اسلام»، امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) قرار دارد؛ به عبارت دیگر، از نظر قرآن و عترت، آن‌ها الگوی اتم انسان تمدن‌ساز هستند. روشن است که راه و روش ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، همان راه و روش پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) است؛ که قرآن کریم، او را خلق عظیم نامیده است:

آیه ۴ سوره قلم (۶۸): «وَ اِنَّكَ لَعَلٰی خُلِقْتَ عَظِيْمًا» (قلم، آیه ۴)؛ یعنی: «و این‌که تو ملکات اخلاقی بس بزرگی داری که بر آن مسلطی».

علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان در خصوص این آیه شریفه می‌نویسد: «این آیه شریفه هرچند

فی نفسها و به خودی خود حسن خلق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می‌ستاید و آن را بزرگ می‌شمارد، لیکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی نظر دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۱۹).

به بیان مبارک آن حضرت، «در میزان اعمال هیچ چیزی سنگین‌تر از حسن خلق نیست»: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۸۳). هم‌چنین، آن رسول گرامی، هدف از بعث خود را اتمام مکارم اخلاق بیان فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰)؛ یعنی: «من از طرف خدا برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به کمال رسانده و تمام کنم. هم‌چنین، قرآن کریم، او را اسوه حسنه نامیده است:

آیه ۲۱ سوره احزاب (33): «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، آیه ۲۱)؛ یعنی: «در حالی که شما می‌توانستید به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خوبی تاسی کنید و این وظیفه هرکسی است که امید به خدا و روز جزا دارد و بسیار یاد خدا می‌کند. علامه طباطبایی، در میزان، اسوه را «به معنای اقتداء و پیروی» بیان و «اسوه در مورد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را، عبارت از پیروی او دانسته که وظیفه‌ای ثابت و همیشگی برای همه مسلمان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۳۲).

بر اساس مطالب ذکر شده، روشن است که اولاً، انسان تمدن‌ساز، انسانی است که آراسته به فضائل اخلاق اسلامی است، ثانیاً، تمدن مورد نظر اسلام؛ که هدف نهایی بعثت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در بعد اجتماعی است، همانا تمدنی مبتنی بر اخلاق است؛ زیرا فرمود «تنها برای اتمام مکارم اخلاق برانگیخته شده‌ام»، ثالثاً، امت اسلامی می‌بایست در این مسیر، به آن حضرت و ائمه اطهار (علیهم السلام) که ادامه‌دهنده راه او هستند، اقتدا و همان مسیر تخلق به اخلاق اسلامی را دنبال کنند، رابعاً، علاوه بر اخلاق فردی، ابعاد مختلف و متنوع اجتماعی آن نیز مد نظر است. به عبارت دیگر، در تمدن اسلامی، اخلاق در همه ابعاد، جهت‌ها و عرصه‌ها جاری خواهد بود.

در جمع‌بندی مطالب این بخش، می‌توان دو مؤلفه اساسی برای تمدن‌سازی اسلامی بیان کرد. (۱) مؤلفه اخلاق اسلامی، (۲) فراگیری آن در ابعاد، جهت‌ها و عرصه‌های مختلفی که مجموعاً موجب ساخته شدن تمدن اسلامی می‌شوند. ابعاد کامل ارتباطی انسان را می‌توان در روایتی که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده مشاهده کرد: «خدای تبارک و تعالی به آدم وحی کرد ای آدم من همه خیرات را در چهار کلمه برایت جمع کنم: یکی از آن‌ها مخصوص من است و دیگری خاص توست و سومی

مابین من و توس و چهارمی میان تو و مردم است» (کمره‌ای، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۰۸). با توجه به توضیحات ارائه شده در ادامه این روایت^۱ (گیلانی، ۱۳۷۷، ص ۶۰۴)، به‌روشنی می‌توان روابط انسان را در جهت‌ها و ابعاد مختلف مشاهده کرد. در این تحقیق، از این ابعاد و جهت‌ها در روابط انسان، تحت عنوان «روابط جامع انسان» یاد شده است؛ روابط جامع انسان یعنی ۱) رابطه انسان با خدا، ۲) با خودش، ۳) با انسان‌های دیگر، ۴) با موجودات دیگر، ۵) با محیط، دنیا و عوالم مختلف.

۳. دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز مبتنی بر قرآن و عترت

با روشن شدن مؤلفه‌های آینده‌اندیشی؛ که عبارتند از «تصویرهای ذهنی»، «دستگاه اندیشه» و «انگیزه» و مؤلفه‌های تمدن‌سازی که عبارتند از «اخلاق اسلامی» و «تحقق آن در روابط جامع انسان»، در واقع دو بعد اساسی «دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» مشخص شده است. اکنون باید ربط بین این دو بعد را از قرآن و عترت تفسیر و تحلیل کرد.

۳-۱. تبیین رابطه بین ابعاد دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز بر اساس مفاهیم قرآن و عترتی

با مشخص شدن دو بعد «آینده‌اندیشی» و «تمدن‌سازی» که به «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» اشاره دارند و در همان راستا از قرآن و عترت پرسش شده، اکنون می‌توان نسبت به ترسیم «مدل دستگاه آن» اقدام کرد. برای این منظور، لازم است با استفاده از قرآن و عترت، رابطه بین این دو مفهوم تحلیل و تبیین شود.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ۱) فکر یا اندیشه، جزو جنود عقل است و جنود عقل و جهل، در واقع همان فضائل و رذائل اخلاقی هستند. مؤید این مطلب نیز، روایتی از امام علی (علیه‌السلام) است که در آن، کل فضائل اخلاقی در چهار فضیلت کلان «حکمت»، «عفت»، «شجاعت» و «عدالت» خلاصه شده و در خصوص فکر؛ همانند رسم معمول فضائل و رذائل اخلاقی، به دو طرف افراط و تفریط آن، یعنی «جریزه»؛ که «کار فرمودن فکر است در زائد از آنچه سزاوار است و عدم ثبات فکر در موضعی معین» (نراقی، ۱۳۸۱، ص ۶۶) و «بلاغت»؛ که «معطل بودن قوه فکریه و کار نرفمودن آن در قدر ضرورت یا کمتر از آن است» (همان) اشاره شده است. ۲) از طرفی، حسب یافته‌های تحقیق،

۱. روایت طولانی است؛ رک: «گیلانی، عبدالرزاق. (۱۳۷۷). مصباح الشریعه. منسوب به امام ششم (علیه‌السلام). ترجمه عبدالرزاق گیلانی. چاپ اول. تهران: انتشارات پیام حق».

مؤلفه اصلی تمدن‌سازی نیز تحقق «اخلاق اسلامی» در همه جهات «روابط جامع انسان» است. (۳) حسب آیات ذکرشده، روشن است که تمدن جهانی اسلام، معطوف به آینده و هنوز محقق نشده؛ بر این اساس می‌توان گفت، «آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت»، محور اصلی «تمدن‌سازی اسلامی» است.

۳-۲. مؤلفه‌های تحقق تمدن اسلامی و نقش آینده‌اندیشی تمدن‌ساز

حسب یافته‌های تحقیق می‌توان گفت، دستگاه آینده‌اندیشی تمدن‌ساز، دستگاهی است که «نقشه‌های ذهنی» مبتنی بر «اخلاق اسلامی» در همه «ابعاد روابط جامع انسان» تولید می‌کند. اگرچه چنین انسانی، بالقوه تمدن‌ساز است؛ اما برای تحقق عینی تمدن اسلامی، کیفیت تخلق به «اخلاق اسلامی» در ابعاد کامل «روابط جامع انسان» از یک‌سو و کمیت مشارکت چنین انسان‌هایی در فرایند تحقق تمدن اسلامی، ضروری است. بر این اساس، مسیر شکل‌گیری تمدن اسلامی؛ تحت تأثیر «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» را می‌توان به شکل نمودار شکل شماره (۵) ترسیم کرد.



شکل ۴: نمودار مسیر شکل‌گیری تمدن اسلامی در بستر کمی و کیفی نیروی انسانی اخلاقی

۳-۳. مراحل تحقق تمدن اسلامی و نقش آینده‌اندیشی تمدن‌ساز

بر اساس یافته‌های تحقیق، مراحل تحقق تمدن اسلامی را؛ که دستاورد «فرایند آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» در دستگاه مربوط است، می‌توان به شرح جدول شماره (۳) خلاصه کرد.

جدول ۳: خلاصه مراحل تحقق تمدن اسلامی

مرحله	عنوان	توضیح
۱	دریافت تصویرهای ذهنی از آخرت	حامل پیام ضرر، نفع، شایستگی
۲	انگیزه توجه به تصویرهای ذهنی آخرتی	در اثر ترس، طمع، محبت (علاقه)
۳	مقایسه با تصویرهای شاخص و تصدیق	تأیید و پذیرش تصویرهای ذهنی دریافتی
۴	تولید نقشه ذهنی برای تدبیر آینده آخرتی و دنیوی	تنظیم نظر و عمل در چارچوب قرآن و عترت (اخلاق)
۵	بسط اخلاق در روابط جامع انسان	رابطه انسان با خدا، خودش، دیگران، ...
۶	تحقق انسان تمدن‌ساز (انسان اخلاقی)	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در بعد فردی
۷	تحقق گروه‌های تمدن‌ساز (گروه اخلاقی)	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در بعد گروهی و اجتماعی
۸	تحقق سازمان‌های تمدن‌ساز (سازمان اخلاقی)	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در بعد گروهی و اجتماعی
۹	تحقق حکومت تمدن‌ساز (حکومت اخلاقی)	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در بعد حکومتی
۱۰	تحقق کشور یا کشورهای تمدن‌ساز (کشور اخلاقی)	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در بعد تمدن‌سازی
۱۱	تحقق جهان تمدن‌ساز (جهان اخلاقی)	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در بعد تمدن‌سازی
۱۲	تحقق آینده اخروی سعادت	تأثیر کامل تصویرهای ذهنی آینده اخروی در سعادت ابدی

۳-۴. تعریف یا ساخت مفهوم آینده‌اندیشی تمدن‌ساز

به‌طور کلی تعریف اشیاء، پاسخ‌گویی به «چیستی» آن‌هاست؛ یعنی وقتی که این سؤال برای ما مطرح

می‌شود که فلان شیء چیست؟ در مقام تعریف آن برمی‌آییم» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۵، ص ۶۰). بر این اساس، برای ارائه تعریف، لازم است عناصر، اجزا یا ابعاد مختلف یک مفهوم مشخص شوند. حسب یافته‌های تحقیق، «عناصر آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» عبارتند از: (۱) تصویرهای ذهنی آینده؛ که حامل پیام ضرر یا خطر، نفع یا شایستگی هستند، (۲) انگیزه؛ که موجب معطوف شدن ذهن به تصویرهای دریافتی می‌شود و عبارتند از ترس، طمع و حب؛ که به ترتیب از ضرر یا خطر، نفع و شایستگی ناشی می‌شوند، (۳) فرایند اندیشیدن، (۴) تمدن‌سازی اسلامی و (۵) نتیجه‌ی حاصل از این فرایند؛ که منجر به تولید یک «نقشه ذهنی» برای نحوه مواجهه و تدبیر ضرر، نفع و شایستگی می‌شود؛ که او فکر می‌کند در آینده دور یا نزدیک با آن مواجه خواهد شد. این نقشه ذهنی در انسان مؤمن، مبتنی بر قرآن و عترت است؛ و اوج آن، تخلق به فضائل و پرهیز از رذائل اخلاقی است.

بدیهی است، عناصر سازنده یک مفهوم، همان عناصر تعریف آن محسوب می‌شوند. بر این اساس و با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان تعریف زیر را برای «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» ارائه کرد. روشن است که منظور از تمدن‌سازی در این مفهوم، تمدن‌سازی اسلامی است.

«آینده‌اندیشی تمدن‌ساز اسلامی عبارت است از کنش یا فرایند فکری مداوم و نظام‌مند معطوف به آینده (اخروی و دنیوی)؛ که در اثر انگیزه ترس از ضرر، طمع منفعت یا علاقه (محبت) ناشی از شایستگی مقام مراتب ولایت الهی ایجاد و منجر به ترسیم نقشه ذهنی و عینی (برنامه) مبتنی بر قرآن و عترت، به‌منظور تحقق تمدن اسلامی می‌شود.

چند نکته در خصوص این تعریف:

نکته اول: تقدم آینده اخروی بر دنیوی در تحریر تعریف فوق، برای آن است که توجه به آینده اخروی، تضمین تنظیم و حرکت اکنون انسان در چارچوب قرآن و عترت به‌منظور تحقق آینده مورد اسلام در بعد فردی و اجتماعی است.

نکته دوم: عبارت «تمدن اسلامی» تحریر شده در تعریف، هم «تمدن جهانی اسلام» را در برمی‌گیرد که با حضور مستقیم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) محقق می‌شود و هم «تمدن نوین اسلامی» را که قبل از آن، به رهبری نایب امام یا ولی فقیه، محقق می‌شود.

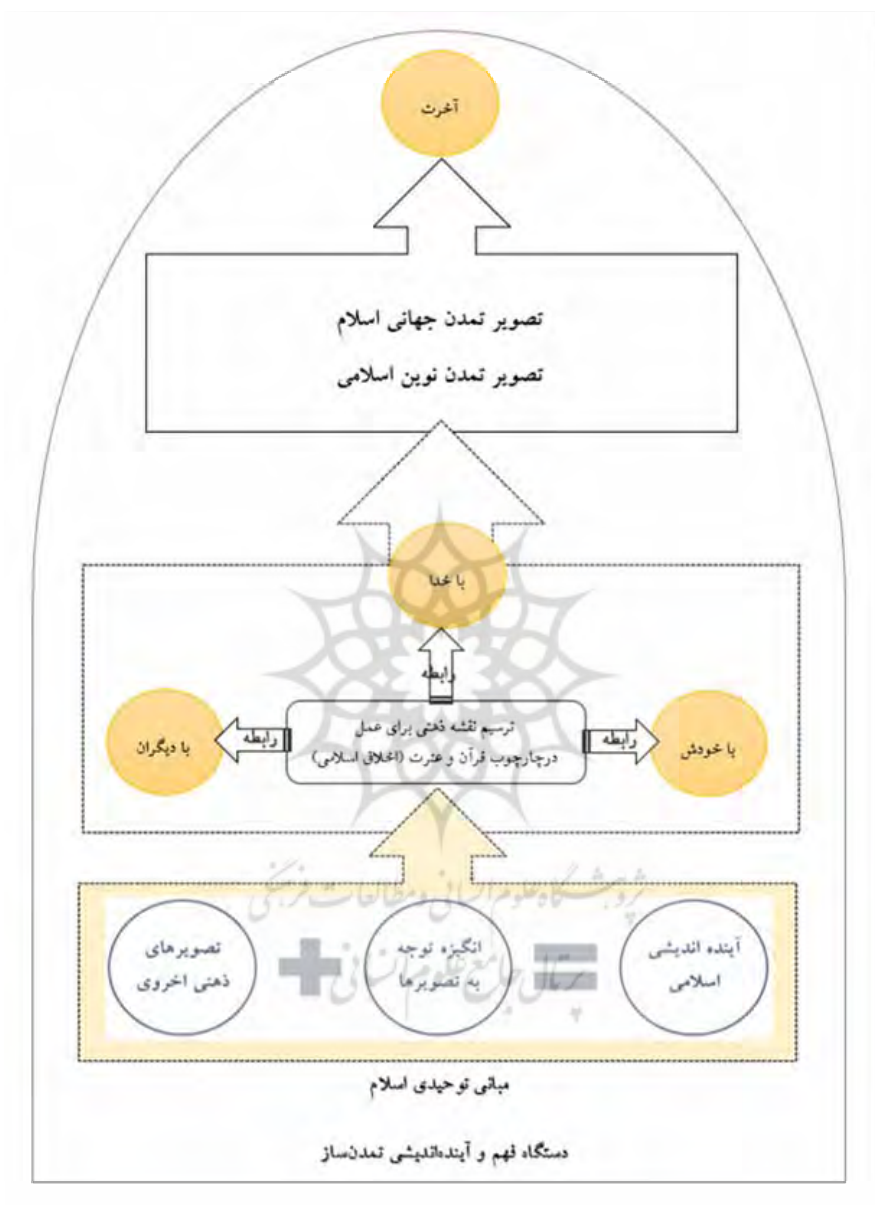
نکته سوم: حسب یافته‌های تحقیق روشن است که اشاره اصلی عبارت «مبتنی بر قرآن و عترت» تحریر شده در تعریف مذکور، به جاری شدن «اخلاق اسلامی» در «روابط جامع انسان» است؛ زیرا

همان‌طور که بیان شد، «اخلاق»، ثمره نهایی اسلام است و دو بخش عقاید و احکام^۱، در واقع مقدمات و بستر ساز تحقق اخلاق اسلامی هستند.

۳-۵. مدل دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز

حسب یافته‌های تحقیق، در انسان می‌توان از «دستگاهی» تحت عنوان «دستگاه اندیشه نظر و انگیزه عمل» نام برد؛ که در بخش اندیشه، با استفاده از تصویرهای ذهنی، فهم یا علم تولید می‌کند و در بخش انگیزه، حالات نفسانی ترس، طمع یا محبت؛ که به ترتیب در اثر ادراک ضرر، نفع و شایستگی ایجاد می‌شوند، موجب انتخاب و اولویت‌دهی یا رد تصویرهای ذهنی دریافتی می‌شود. هرچه میزان نفع و ضرر یا شایستگی ادراک‌شده، بیشتر باشد، میزان توجه و عطف ذهن به آن نیز بیشتر و ماندگارتر است. با توجه به این‌که نفع (بهشت و قرب) و ضرر (جهنم) و شایستگی حقیقی نزد خداست و سایر نفع، ضرر و شایستگی‌ها در مقابل او، ناچیز هستند، ناگزیر توجه ذهن؛ از میان تصویرهای ذهنی زمان‌محور (گذشته، حال و آینده)، به تصویرهای آینده مذکور معطوف می‌شود. انسان مؤمن، لحظه‌ای از یاد خدا و آخرت غافل نیست و حتی هنگامی که تصویرهای وقایع گذشته را مرور می‌کند، در پی عبرت‌آموزی برای آینده اخروی بهتر است؛ در این حالت، «دستگاه اندیشه» انسان، همان «دستگاه آینده‌اندیشی» است. از طرفی، با توجه به نقش محوری و اساسی مؤلفه «جاری شدن اخلاق در روابط جامع انسان» در «تمدن‌سازی» و این‌که «هسته اصلی دستگاه آینده‌اندیشی»، یعنی «اندیشه یا فکر» و نتایج آن، یعنی «فهم»، از جنود عقل هستند؛ که حد افراط و تفریط آن، جزو رذائل اخلاقی محسوب می‌شود، روشن است که «اخلاق اسلامی»، پیونددهنده دو مفهوم «آینده‌اندیشی» و «تمدن‌سازی» است. بر این اساس، می‌توان از «دستگاه فهم و آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» سخن گفت و «مدل» آن را به شرح شکل شماره (۳) ترسیم کرد.

۱. در روایتی از حضرت رسول (صلی‌الله علیه و آله) نقل است که فرمود: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَيْةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَلَّاهُنَّ فَهَوَ فَضْلٌ» (کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه. ج ۱، ص ۳۲)؛ یعنی علم سه بخش است: عقاید، احکام و اخلاق (خلاصه ترجمه).



شکل ۶: مدل دستگاه فهم و آینده اندیشی تمدن ساز

نتایج تحقیق

حسب یافته‌های تحقیق، آینده‌اندیشی مبتنی بر قرآن و عترت، با توجه به نفع و ضرر حقیقی که در انتظار انسان است و انگیزه‌های طمع و ترس (و در مراتب بالای ایمان، محبت ناشی از باور شایستگی الهی) تضمینی برای تنظیم حرکت و رفتار انسان در چارچوب دین و در راستای توحید و نبوت است و بدون آن، این دو اصل اساسی که در طول یکدیگرند نیز بی‌اثر خواهند شد.

از طرفی، تحقق تمدن اسلامی که در قرآن و عترت بر تحقق قطعی آن تأکید شده، با دو مؤلفه اخلاق و جاری شدن آن در ابعاد مختلف روابط جامع انسان محقق می‌شود. اخلاق اسلامی (جنود عقل و جهل یا همان فضائل و رذائل اخلاقی)، در واقع «موضوعی کلان و فراگیر است و دو بعد «آینده‌اندیشی» و «تمدن‌سازی» در ذیل آن قرار گرفته و با یکدیگر مفهوم جدیدی تحت عنوان «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» را می‌سازند. برای ساخت علمی چنین مفهومی، تعریفی نیز از آن ارائه شده است. کارکرد اصلی این مفهوم، آماده کردن انسان و جامعه، برای تحقق تمدن اسلامی است. بدیهی است، تمدن نوین اسلامی نیز، در راستای همان تمدن آرمانی تعریف می‌شود. هم‌چنین، تشکیل کشور اسلامی، دولت اسلامی، سازمان‌های مبتنی بر اسلام، گروه‌ها و نهادهای اسلامی، انسان مؤمن انقلابی، مراتب ذیل آن محسوب می‌شوند. بر این اساس، برای تحقق تمدن نوین اسلامی نیز، اولاً شناخت، ثانیاً به‌کارگیری ابعاد و مؤلفه‌های «آینده‌اندیشی تمدن‌سازی» در ابعاد فردی و اجتماعی ضروری است.

پیشنهاد‌های تحقیق

پیشنهاد اول

پس از توحید، انسان محور آفرینش و خلیفه الهی است که در مفهوم مراتب ولایت الهی، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. بر این اساس، لازم است در پژوهش‌های قرآنی و عترتی، به‌صورت دقیق‌تری مورد توجه قرار گیرد. در بعضی پژوهش‌ها که عناوین آن‌ها مزین به الفاظ اسلامی، قرآنی، ... هم هست، قبل از آن‌که نسبت موضوع یا مسئله تحقیق با این مخلوق احسن روشن شود، به ابعاد اجتماعی آن توجه می‌شود. این لغزش ظریف، ناشی از گرت‌برداری ناخودآگاه از پژوهش‌های غیر اسلامی یا سکولار است. برای مثال، در پژوهش‌هایی که هرچند به‌طور محدود به موضوعاتی مانند آینده‌اندیشی، پرداخته می‌شود، با این‌که «اندیشه» خاص انسان است، جزو جنود عقل و ودیعه الهی در اوست، ... اما

مبحث در خارج از انسان دنبال می‌شود و در انتها نیز، نتایج تحقیق ربط وثیقی به خود انسان، دستگاه اندیشه او مباحثی از این دست پیدا نمی‌کند؛ تازه اگر پژوهشی هم با این رویکرد انجام شود، آن را در فضای دانشی مانند روان‌شناسی تحلیل می‌کنند که این ناشی از همان لغزش ظریف و سوگیری ذهن است. بر این اساس، پیشنهاد تحقیق ایجاد مرکز انسان‌شناسی مبتنی بر قرآن و عترت است تا هر پژوهشی که در خصوص ابعاد مرتبط با انسان که محور هستی است صورت می‌گیرد، مبانی انسان‌شناختی دقیقی برای آن تولید شده باشد.

پیشنهاد دوم

با توجه به اشتراک مبحث آینده‌اندیشی در بین کل عالمان اسلام از یک سو و تلاش اکثر محققان، گروه‌ها و کشورهای اسلامی برای تحقق تمدن اسلامی از سوی دیگر، در صورتی که «آینده‌اندیشی تمدن‌ساز» در قالب عنوان کلی‌تری مانند «معاد» به امت اسلام و حکومت‌های آن‌ها پیشنهاد شود، می‌تواند با استقبال مواجه و محور مفهومی دقیق، عمیق و محکمی برای هم‌گرایی جهان اسلام که از ضروریات امروز است، شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بابایی، علی‌اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی؛ رجبی، محمود، (۱۳۹۲)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات سمت.
۳. پیام حضرت آیت‌الله جوادی آملی به همایش تمدن نوین اسلامی. قابل‌دسترسی در: <http://www.aparat.com/v/pPjM>
۴. ترجمه قرآن کریم از ترجمه تفسیر المیزان.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، قم، موسسه اسراء، چاپ هشتم.
۶. حرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۷. حیدری فر، مجید، (۱۳۹۲)، مهندسی فهم و تفسیر قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.

۸. سید قطب، (۱۳۸۹)، *تصویرسازی هنری در قرآن*، ترجمه زاهدویسی، تهران، انتشارات آراس.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم، هجرت، چاپ اول.
۱۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ش)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمددشتی، قم، مشهور، چاپ اول.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه، چاپ پنجم.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۰)، *مکارم الأخلاق*، قم، شریف رضی، چاپ چهارم.
۱۴. علوی مهر، حسین، (۱۳۹۱)، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، تهران، انتشارات اسوه، چاپ سوم.
۱۵. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۱۶. کمره‌ای، محمدباقر، (۱۳۷۶)، *ترجمه امالی شیخ صدوق*، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ ششم.
۱۷. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم، دارالذخائر، چاپ اول.
۱۸. کراجکی، محمد بن علی، (بی‌تا)، *گنجینه معارف شیعه امامیه (ترجمه کتاب کنز الفوائد و التعجب)*، تهران، چاپخانه فردوسی، چاپ اول.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، *اصول کافی (تحفه الأولیاء؛ ترجمه أصول کافی)*، ترجمه محمدعلی اردکانی، قم، دارالحديث، چاپ اول.
۲۱. گیلانی، عبدالرزاق، (۱۳۷۷)، *مصباح الشریعه*، منسوب به امام ششم (علیه‌السلام)، ترجمه عبدالرزاق گیلانی، تهران، انتشارات پیام حق، چاپ اول.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۲ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ مکرر.

۲۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۸)، *الایمان و الکفر بحار الانوار*، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول.

۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۵۸)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، انتشارات صدرا.

۲۵. نراقی، ملااحمد، (۱۳۸۱)، *معراج السعاده*، قم، انتشارات موسسه انتشاراتی هجرت، چاپ هشتم.

